

وقتی جامجم برفک داشت

تاسیس رادیو و تلویزیون ایران در دوره پهلوی‌ها صورت گرفته است. سال 1319 نخستین برنامه رادیویی پخش شد و از اوایل دهه 40 هم تلویزیون، نخستین امواج خود را به خانه‌های مردم فرستاد.



تاسیس رادیو و تلویزیون ایران در دوره پهلوی‌ها صورت گرفته است. سال 1319 نخستین برنامه رادیویی پخش شد و از اوایل دهه 40 هم تلویزیون، نخستین امواج خود را به خانه‌ها، مدام فرستاد. از منظر انقلابی و به سه دلیل محتوایی، ساختاری و زیرساختی، نباید انتظار داشت که رادیو و تلویزیون در خدمت انقلاب اسلامی بوده باشند اما این گزاره کلی، استثناهایی هم دارد.

وقتی به اسناد بنیادین رادیو و تلویزیون در ایران نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که حکومت از راه اندازی این رسانه‌ها سه هدف کلی داشته است: آموزش و فرهنگ سازی، سرگرمی و فراغت و تبلیغ یا پروپاگاندا. جامعه انقلابی ایران با هر سه این کارکردها مشکل جدی داشته است زیرا: اولاً آموزش و فرهنگ رژیم سابق یا به عبارتی محتوای برنامه‌های آموزشی یا فرهنگ سازی را مطابق روحیات یا باورهای خود نمی‌دانست؛ برنامه‌های سرگرمی و فراغت آن را نوعی غربی سازی می‌دانست و تبلیغ یا پروپاگاندا را هم که اساساً در راستای منافع نظام حاکم و ضدانقلابی می‌پنداشت. از این روست که در میان انقلابیون دید مثبتی به این دو وسیله نبود.

البته کنترل شدید دولت بر این ابزارهای رسانه‌ای هم خود باعث بدبینی بیشتر به آنها شده بود. گفته می‌شود که وقایع انقلابی در این دو رسانه، گاهی با تحریف بسیار و با هدف مخدوش کردن چهره انقلابیون گزارش می‌شد و گاهی نیز از کنار وقایع بزرگی در سکوت کامل خبری گذر می‌شد و همین مسائل روز به روز عنصر اعتماد را که مهم‌ترین سرمایه یک رسانه است از بین برد.

حداقل در مورد تلویزیون این نکته را هم باید در نظر داشت که هزینه این وسیله از حد توان بسیاری از مردم بخصوص مستضعفانی که بار انقلاب را به دوش داشتند خارج بود، به نوعی که در برخی روستاها و شهرها، یک تلویزیون برای محل اجتماع مردم مثل رستوران یا قهوه خانه خریداری می‌شد و پس از آن مردم با پرداخت مبلغ کمی می‌توانستند به تماشای آن بنشینند یا حتی برخی برنامه‌های رادیو را گوش کنند. نباید از کنار نبود برق در برخی نقاط کشور هم گذشت که خود بستر مهمی برای این رسانه‌های مدرن است.

3 استثنای استفاده از رسانه‌های مدرن

در این میان نباید پنداشت که همه دید انقلابیون به این رسانه‌ها هم منفی بوده است. حدود سال 1347 و در میانه اختلاف شدید دولت ایران و عراق بر سر برخی مسائل مرزی و نیز حمایت ایران از کردهای جدایی طلب عراق، دولت وقت عراق تصمیم گرفت از انقلابیون ایران یک حمایت تاکتیکی کند و از این رو امکانات تاسیس یک رادیو را به انقلابیون داد. سیدمحمود دعایی، مدیرمسئول فعلی روزنامه اطلاعات به عنوان تهیه کننده آن رادیو، حدود پنج سال از این تریبون استفاده کرد تا صدای انقلاب ایران را از عراق به جهانیان بشناساند. البته این رادیو سال 1353 و پس از توافق الجزایر میان ایران و عراق برای همیشه تعطیل شد تا روشن شود که عراق دلسوز واقعی برای مردم ایران نبوده و بیشتر به عنوان یک ابزار از این رادیو بهره می‌برده است. از سوی دیگر استفاده امام خمینی(ره) از رادیو و تلویزیون‌های خارجی برای شناساندن پیام انقلاب ایران بخصوص هنگام اقامت در پاریس را نباید نادیده گرفت. آمارها نشانگر مصاحبه‌های امام خمینی(ره) با 22 تلویزیون، پنج رادیو و 15 رادیو - تلویزیون برای انتقال پیام انقلاب به جهانیان بوده است. صدا البته که با وجود مخاطب جهانی این پیام‌ها، محتوای آن به دست مخاطبان داخلی ایشان هم می‌رسیده است.

انقلابیون در ایران هم از برخی رسانه‌های خارجی برای اطلاع از اوضاع کشور بهره می‌بردند. نشان واضح این موضوع رادیو بی.بی.سی بوده است که در دوره‌ای طبق سیاست‌های خود به پوشش انقلاب ایران پرداخت. این مساله باعث شد که برخی از خلوتی خیابان‌های شهرهای بزرگ هنگام پخش خبر و تفسیر آن در رادیو بی.بی.سی سخن بگویند. البته دیری نپایید که پاسخ این اعتماد، پس از تسخیر سفارت ایالات متحده در ایران و نیز آغاز جنگ داده شد و مردم فهمیدند دوستی بی.بی.سی با انقلابشان بیش از هر چیز، نه راهبردی که تاکتیکی بوده است.

رادیو و تلویزیون به مثابه یک ابزار

روزنامه اطلاعات در شماره اول اسفند 1357 خود یعنی 9 روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی خبری منتشر کرد که از بازار داغ تلویزیون حکایت دارد. همان مردمی که 12 بهمن و بعد از قطع پخش مستقیم مراسم ورود امام به ایران از تلویزیون، تلویزیون‌های خود را شکستند، حالا به این وسیله روی آورده بودند تا پیام‌های انقلاب را راحت‌تر دریافت کنند. گفته شد این بازار داغ ناشی از سخنانی بود که از امام نقل شد که ایشان تلویزیون را در شرایط جدید، رسانه‌ای مفید ارزیابی کرده بودند. به این ترتیب رهبر انقلاب و به تبع، مردم خیلی زود فهمیدند که رسانه و به طور خاص رسانه‌های مدرنی مانند رادیو و تلویزیون صرفاً یک ابزار هستند. ممکن است از بغداد صدای «نهضت روحانیت» شنیده شود و از رادیو و تلویزیون ملی در جام جم، که قرار بود به تعبیر حافظ احوال ملک را عرضه کند، تصویری برفکی برسد و صدایی که ضدخواسته‌های مردم انقلاب اسلامی است.

البته انقلابیون در کنار این ابزاری بودن، یک نکته دیگر را هم فهمیده بودند و آن اهمیت این گونه رسانه ها حداقل در بعد نمادین بوده است و این گونه است که یکی از نخستین اماکن تسخیر شده، رادیو بود تا صدایی به گوش مردم برسد که «این صدای انقلاب ملت ایران است.»